

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۲ جولای ۲۰۲۲

"عشر زنان" در مکتب طالب!!

دوشنبه - ۲۰ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: یادداشت امروز را به بحث در مورد خبری اختصاص داده ام که در روزنامه ۸ صبح همین امروز منتشر شده است. در خبر از قول زنان فراری بلخاب آمده است، که طالب فرمان داده تا مردم بلخاب از هر ده زن و دختر جوان یکی را به طالب بسپارند. این یعنی از دید صادر کنندگان چنین فرمانی بر انسانها به خصوص زنان نیز "عشر" یا همان "یک بر ده" قابل تطبیق می باشد. از آن جایی که در مورد گرفتن زکات و مقدار آن در یکی از یادداشتهای قبلی اشاراتی داشته ام، بحث امروز را در بعد دیگری ادامه می دهم. اما قبل از آن:

۱- آنهایی که با تاریخ اسلام آشنائی بیشتر و کاملتری دارند و تا حدی عوامل گسترش و پیروزی آن را بر دو امپراتوری مقتدر همان زمان از دید مادی تاریخی مطالعه نموده اند، خوب می دانند که به موازات آن که در همان زمان نیروهای مهاجم یعنی لشکریان اسلامی محرک و انگیزه گرفتن غرامت را داشتند و می دانستند که جنگ و کشتار آنها برای خودشان و خانواده هایشان طلا، نقره و پول و جایداد به ارمغان خواهد آورد، نیروهای مدافع آن امپراتوریا در تحت چنان شرایط اقتصادی و مالیاتی زندگانی می نمودند که نه تنها در پیروزی بر دشمن، نجات و سعادت خود را نمی دیدند، بلکه تحکیم مناسبات اقتصادی تحمیلی از جانب هر دو امپراتوری یعنی هم ساسانی و هم روم، به معنای دوام بردگی، گرسنگی، رنج و عذاب خودشان و خانواده هایشان به شمار می رفت.

از همین رو با جرأت می توان نوشت، عدم مقاومت و فرار های متوالی سربازان ساسانی و رومی از لشکر مهاجم عرب، نه برخاسته از شجاعت عرب مسلمان و جبن و ترس دشمنان شان و نه هم ناشی از معجزه الهی بود، بلکه انگیزه های مادی برای یکی به مثابه انگیزه و محرک پیروزی عمل می کرد و برای دیگری، شکست طلبی و فرار از مقابل دشمن، عامل نجات به شمار می رفت.

۲- سیاست اقتصادی که آنزمان در همان صدر اسلام از جانب لشکریان اسلام مقابل دشمنان اعمال می شد، کاملاً مشخص و روشن بود. یعنی وقتی آنها منطقه ای را فتح می نمودند از لحاظ فقهی آن را "دارالحرب" نامیده، تمام دار و ندار منطقه مفتوحه از آن مسلمانان می شد. با این تفاوت که اگر باشندگان محل اسلام می آوردند و کلمه شهادت را بر زبان می راندند نه تنها جان شان مطلقاً مصونیت می یافت بلکه اموال شان هم به خودشان برگشت داده شده، به مانند سایر مسلمانان همان "عشر" در آمد شان را می دادند. هرگاه اسلام نمی آوردند و در دیانت قبلی خود باقی می ماندند باز هم با آنها دو برخورد متفاوت صورت می گرفت یعنی در حالی که اهل کتاب باج و خراج می دادند، غیر اهل کتاب

اگر پرداختن "جزیه" را قبول می نمودند، با پرداخت "جزیه" تحت صیانت لشکر اسلام قرار می گرفتند و اگر دادن "جزیه" هم خود داری می کردند، در آن صورت یا کشته می شدند و یا هم به بردگی گرفته می شدند.

آنچه در مبحث از هر لحاظ مهم است، به روایت اسناد تاریخی به علاوه آن که میزان خراج و جزیه، به مراتب کمتر از مالیاتی بوده که حاکمیت های قبلی از توده های میلیونی خود دریافت می داشتند، در هیچ یک از دو مورد خراج و یا جزیه چیزی به نام "عشرزنان" وجود نداشت. یعنی خلاف آنهایی که به بردگی گرفته شده بودند و همه چیز شان من جمله خودشان بخشی از مالکیت برده دار می شد، چه آنهایی که مسلمان بودند و یا حتی خراج و جزیه می پرداختند، "عشری" در مورد زنان و دختران شان وجود نداشت.

۳- هرگاه خبری که در ۸ صبح نشر شده واقعیت داشته باشد، طلب "عشرزنان" نه تنها در افغانستان کاملاً جدید است، بلکه از لحاظ اعتقادی در اسلام هم هیچ سابقه ای نداشته، بدعتی است ضد اسلامی، ضد ملی و ضد انسانی.

آنهایی که چنین تقاضائی را از مردم عادی که هیچ نقشی در ضدیت با طالب نداشته اند و از چانس بد در یک خانواده غیر پشتون هزاره و یا ازبیک و یا تاجیک و معتقد به مذهبی غیر از آنچه طالب ادعای داشتن آن را دارد تولد یافته اند و یا حتی از دشمنان مسلح خود می نمایند، حرکت شان بدان معناست که نیروهای طالب، محل مورد منازعه را "دارالحرب" دانسته، با شندگان آن محل را مسلمان نمی دانند ورنه به خود حق نمی دادند تا چنین تقاضای ضد ملی و ضداسلامی و ضد انسانی رذیلانه را مطرح نمایند.

هموطنان گرامی!

هرگاه این خبر واقعاً راست باشد و طالب چنین تقاضائی را نموده باشد بدان معناست که سیاست های تفرقه افکنانه امپریالیسم و ارتجاع حد اقل بین نیرو های طالب به بار نشسته و آنها کشور ما را چهاراسپه به سمت جنگ مذهبی و قومی و در نهایت تجزیه می کشانند.

از همین رو بر تمام آنهایی که خود را افغان می دانند و ادعای افغان بودن را دارند، الزام آور می گردد تا علیه این سیاست ضد انسانی، ضد ملی و ضد اسلامی طالب، موضع گرفته، نه تنها صریحاً آن را محکوم و تقیح نمایند بلکه با تمام قدرتی که در دست دارند علیه چنین سیاست و سیاست هائی به پا خاسته، قبل از آن که طالب درب خودش را دق الباب نموده، دختر و یا خواهر خودش را بخواهد، حسابش را با طالب و طالبیسم تصفیه نماید.

هموطنان گرامی!

اینجا مسأله جنگ بین ملا "هبت الله" و ملا "مهدی" نیست، اینجا مسأله به بردگی کشاندن تعدادی از هموطنان ما در قرن بیست و یک است. سکوت در برابر آن نه تنها ننگ تاریخ را بر جبین سکوت کنندگان خواهد زد، بلکه در عمل تاریخ آنها را شریک جرم و جنایت طالب نیز به شمار خواهد آورد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!